

خوانش گفتمانی مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸

مهدی نادری^۱

روح‌الله فرهادی^۲

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت به‌عنوان پیشران مقابله با استبداد داخلی و سلطه خارجی مطرح و مورد پذیرش و توجه برخی از گروه‌ها و جریان‌های مبارز واقع شد. نظر به اهتمام ویژه به راهبرد مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، این مقاله درصدد تشریح جایگاه و مؤلفه‌های گفتمانی حاکم بر مقاومت اسلامی است. روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع تحلیل گفتمان-متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. خوانش گفتمانی مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم بر این نکته تأکید دارد که دال‌های حاکمیت اسلام ناب محمدی به‌مثابه هسته، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به‌مثابه ماهیت، مقدمه‌سازی ظهور مهدی موعود (ع) به‌مثابه راهبرد، تحقق تمدن نوین اسلامی به‌مثابه هدف، تقویت جبهه مقاومت به‌مثابه برنامه، وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مقاومت به‌مثابه ابعاد، ایمان الهی و مدیریت جهادی به‌مثابه ابزار، نقش مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی را ایفا می‌کنند. در این سال‌ها گفتمان مقاومت اسلامی با پیروزی در مقابل طرح‌ها و توطئه‌های عبری، عربی و غربی توانسته است بر عمق راهبردی و نفوذ منطقه‌ای خود بیفزاید و اهداف سلطه‌گرایان صهیونیست، سعودی، آمریکایی و متحدانشان را خنثی کند. از این‌رو تحقق اهداف انقلاب اسلامی منوط به التزام نظری و عملی به گفتمان انقلاب اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، مقاومت اسلامی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛ M.naderi@shahed.ac.ir

۲. استادیار و عضو هیات علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ farhadirouhollah@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

پیروزی، حفظ و صدور ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی، مرهون نهادینه‌شدن فرهنگ مقاومت در میان ملت ایران است. تاریخ چهل‌ساله حیات سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی بر این نکته اذعان دارد که از یک سو گفتمان انقلاب اسلامی نه‌تنها در مواجهه با تهدیدات داخلی نظیر اقدامات تروریستی گروه‌های ضد انقلاب و معاند، جنگ هشت‌ساله تحمیلی، و تحریم‌های چهل‌ساله غرب بر مشکلات فائق آمده، بلکه توانسته است با سربلندی و عزت، تهدیدات برون‌مرزی نظیر گروه تکفیری داعش، نفوذ منطقه‌ای استکبار جهانی، طرح خاورمیانه جدید و سازش عبری-عربی را خنثی و فرهنگ ایستادگی و مقاومت را در میان ملت‌های مسلمان بارور کند. نمودهای عینی مقاومت اسلامی را در عملکرد انتفاضه فلسطین، حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن، شیعیان بحرین، عربستان و نیجریه به‌وضوح می‌توان دید. از سوی دیگر، علی‌رغم فائق‌آمدن بر تهدیدات، باید اذعان کرد که راهبرد مقاومت اسلامی، پیشران کارآمدی و پیشرفت‌ها برای جمهوری اسلامی بوده است که تصویری سازنده و کارنامه‌ای قابل‌قبول در افکار عمومی و نخبگان آزادی‌خواه است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌صورت خاص و مصداقی به توفیقات مذکور اشاره کرده‌اند و ریشه برخی از ناکامی‌ها را در فاصله‌گرفتن مقطعی برخی از مسئولان از جریان انقلابی و انقلابی‌گری می‌دانند. بی‌تردید تعبد به ارزش‌ها و هنجارهای مقاومت اسلامی هسته اصلی هرگونه کنش انقلابی است. باید توجه کرد مسئله مقاومت یک مسئله فطری و بشری است که در فلسفه سیاسی ذیل حق مقاومت با تعبیر مختلفی نظیر قیام یا انقلاب در آرای متفکران نمود یافته است. در ادبیات جهانی مقاومت، اساساً مسئله مقاومت، پیوند وثیقی با نفی سلطه و استعمارزداپی دارد و مطالعات شناختی درباره ماهیت و عملکرد امپریالیسم بر این مهم تأکید دارد. اگرچه مبارزه و نفی سلطه قدر متیقن حامیان جهانی گفتمان مقاومت است، تفسیر و قرائت گفتمان اسلامی از مقاومت متفاوت است. از این‌رو نویسندگان مقاله با هدف تبیین اهمیت و جایگاه راهبردی مقاومت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی و نیز تشریح و شناخت زمینه‌ها و ابعاد گفتمانی مقاومت اسلامی به‌منظور رسیدن به فهم مشترک نخبگانی و عملیاتی، درصدد واکاوی مؤلفه‌های گفتمانی اندیشه مقاومت در این بیانیه هستند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

این مقاله دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱. تبیین اهمیت و جایگاه راهبردی مقاومت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی؛ ۲. تشریح و شناخت زمینه‌ها و ابعاد گفتمانی مقاومت اسلامی به منظور رسیدن به فهم مشترک نخبگانی و عملیاتی. در راستای رسیدن به این اهداف، دو پرسش مطرح می‌شود:

۱. مقاومت اسلامی چه جایگاهی در بیانیه گام دوم انقلاب دارد؟

۲. مؤلفه‌های گفتمانی مقاومت ناظر بر بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقاله‌هایی به صورت عام درباره اندیشه مقاومت منتشر شده است. جان فوران (۱۳۸۵) ضمن بررسی تعامل ساختارهای ازپیش موجود و جاری ایرانی با فشارهای خارجی حاصل از رابطه ایران و غرب در الگوی نظام جهانی، به موضوع مقاومت جمعی، مشهود و هدفمند اشاره می‌کند و در سازوکارهای مقاومت، مفهوم تنش را محور کار خود قرار داده است. اندی بنت (۱۳۸۶) معتقد است مدرنیته با رشد روزافزون رسانه‌های جهانی و صنایع مصرفی، پیدایش طیف فزاینده‌ای از مقاومت را در قالب پادفرهنگ‌ها به دنبال داشته است. این رویکرد در واکنش به اتکای فزاینده بر علم و فناوری در جوامع مدرن و مبتنی بر سلیقه و ترجیحات متعارف سبک زندگی در کنار تعهد و پایبندی به پذیرش مجموعه فعالیت‌های سبک زندگی، شکلی مقاومتی به خود می‌گیرد. به این شکل، «افراد از دستگاه‌های عقیدتی و سازوکارهای پیشامدرن به عنوان ابزار براندازی یا دست‌کم زیرسؤال‌بردن شکل‌های بدیهی انگاشته عمل فرهنگی حاکم بر مدرنیته اخیر استفاده می‌کنند.» مانوئل کاستلز (۱۳۸۰) نیز از تقابل شبکه و فرد، و ازدست‌رفتن تدریجی کنترل افراد بر زندگی خویش، از ظهور هویت‌های مقاوم در هیئت جمع‌های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی بحث می‌کند. این هویت ناشی از انواع احساس طرد و کنار گذاشته شدن است که به ایجاد جمعیت‌هایی با گرایش‌های خاص منجر می‌شود. با وجود این، تاکنون آثاری درباره مسئله مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم منتشر نشده است؛ برای مثال، نادری و پیرانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم

انقلاب اسلامی»، به بررسی سناریوها و راهبردهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب پرداختند. گوهری‌مقدم و بیگی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب» تلاش کردند برای رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راستای تحقق بیانیه گام دوم نقش راهنما ارائه کنند. همچنین افتخاری (۱۳۹۹) در کتاب *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو، مبانی، ارکان و ابعاد نظری مقاومت در اسلام* را به‌عنوان یک نظریه مطرح کرد. از این‌رو، این مقاله از دو جهت نوآوری دارد: نخست آنکه تاکنون به‌صورت مستقل مقاله‌ای درباره موضوع پژوهش در بیانیه گام دوم منتشر نشده است و دوم، این مقاله با رویکردی روش‌شناختی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها با هدف ارائه تحلیل انضمامی، به واکاوی ابعاد مسئله پرداخته می‌شود.

ملاحظات نظری مقاومت اسلامی

۱. حق مقاومت

حق مقاومت یکی از اصول اساسی اندیشه سیاسی مدرن است. نخستین بیانیه‌های حقوق بشر، ویرجینیا (۱۷۷۶) و انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، حق مقاومت را از زمره حقوق بشری به‌شمار می‌آورند. حتی ادموند برک، منتقد انقلاب فرانسه، نیز قائل به جواز و مشروعیت مقاومت در وضعیت‌های اضطراری بود (هوفه، ۱۳۹۵: ۲۷۴)؛ هرچند بیش از هر چیز از آن به‌عنوان یک کارکرد هنجاری و نه بنیادین یاد کرد. با وجود این، کارکرد مقاومت با توجه به لوازم قانون اساسی مدرن که در بستر آزادی‌های سیاسی امکان مخالفت و انتقاد را فراهم می‌سازد، به‌ندرت به‌عنوان یک کارکرد هنجاری فرصت حضور یافته است. حتی در جوامعی که سازوکار مدرن حکمرانی جاری است، کارکرد هنجاری مقاومت چه به شکل زبانی و چه در شکل عملی آن یک تهدید محسوب می‌شود و با محدودیت قانونی روبه‌رو است؛ بنابراین حق مقاومت در اندیشه سیاسی مدرن، به‌دلیل جایگزینی قانون اساسی مشروطه یک حق منسوخ‌شده است (مک انرنی، ۲۰۰۹: ۵۵). هرچند مقاومت به‌عنوان حق طبیعی و اخلاقی، در شرایط اضمحلال اصول بنیادین مورد اجماع همگان است، این حق در دستگاه نظری ایمانوئل کانت با ملاحظات جدی روبه‌رو است. به‌زعم کانت، وضعیت طبیعی، ناقض وضعیت حقوقی مطلوب عقل است و در

صورت قول به جواز حقوقی مقاومت، هر نوع قانون اساسی موضوعه زایل می‌شود؛ زیرا در این صورت بالاترین مرجع قانون‌گذاری یا همان قانون اساسی، دربردارنده مؤلفه‌ای در خود خواهد بود؛ دال بر اینکه درعین حال بالاترین مرجع نباشد و این به معنای تناقض درونی است. استدلال کانت شبهات گوناگونی را مطرح کرده است: شبهه اول را می‌توان از منظری سیاسی-پراگماتیک مطرح کرد: چنانچه حکومت علی‌رغم قانون اساسی مشروطه آزادی‌های سیاسی را نفی کند یا حتی مقاومت منفی را که مسامحتاً کانت آن را تأیید کرده است از میان بردارد، اعتبار استدلال کانت را زیر سؤال خواهد برد؛ چنانچه این مهم در وضعیت اجتماع اخلاق-مدنی که کانت ترسیم کرده است، قابل‌ردیابی است. شبهه دوم نیز به نبود پایداری مناسبات حقوقی مطلوب عقل میان دولت‌ها مرتبط است. این مهم وضعیت طبیعی جنگ و تخاصم بالقوه را به‌وجود می‌آورد؛ وضعیتی که در آن «حق اقویا» حاکم است. طبیعتاً از منظر اخلاق کانتی امر نیک یک امر اخلاقی است (کورنر، ۱۳۸۰: ۲۸۴). همان‌طور که پیشتر اشاره شد، حق مقاومت به‌عنوان یک حق طبیعی و اخلاقی، امکان شکوفایی کمال غایات آدمی را فراهم می‌آورد.

در فضیلت‌گرایی نیز به مقاومت به‌مثابه یکی از راه‌های گشودگی و رهایی انسان از بند اسارت و موانعی که با غایت انسان در تعارض است، توجه می‌شود. با عنایت به اینکه تفسیرهای متعددی از «فضیلت» وجود دارد، می‌توان گفت عموم تقریرهای اخلاق فضیلت، بر اینکه فضیلت نوعی خصلت‌منشی مطلوب و قابل‌تحسین است، اتفاق نظر دارند. در این میان آنچه با موضوع مقاله حاضر ارتباط می‌یابد، ساختار زبانی و شناختی فضایل است که زمینه شکل‌گیری انسان فضیلت‌مند را فراهم کرده است. حکمای یونانی در پرتو نفوس سه‌گانه، فضایل چهارگانه‌ای را مطرح کرده‌اند، اما تقریر ارسطویی که همچنان معتبر است، تلاش مناسبی برای ساختن فضایل مورد اشاره است. ارسطو با تلفیق خیر و فضیلت‌ها، چگونگی کاربست آن‌ها را در اجتماع تبیین کرد. وی معتقد بود که ذات خیر به‌عنوان یک جوهر کلی وجود ندارد. باید خیر را از طریق معرفتی درونی در حالات زندگی بشر و از طریق بصیرت در قابلیت‌هایی که طبیعت انسان را سامان می‌دهند، فهم کرد (بکر، ۱۳۷۸: ۳۶). دیدگاه ارسطو از فضیلت که با عنوان سعادت‌گرایی شناخته می‌شود، دیدگاهی فیزیکی و طبیعی است. خیر آدمی نیز مانند خیر هر موجود زنده دیگر در رشد قابلیت‌های انسانی او نهفته است. ارسطو فضیلت را با سعادت

ارتباط می‌دهد و عمل به فضایل را برای زندگی سعادت‌مندان ضروری می‌داند. آنچه در نظام اخلاقی ارسطو مهم است، نگاهی است که او به انسان و سعادت او دارد. نیکبختی، نهایی‌ترین غایت است که دیگر غایات در برابر آن، غایات میانی شمرده می‌شوند. نیکبختی دو ویژگی دارد: ۱. نهایی‌ترین غایت است؛ ۲. برای خویش بسنده است (ارسطو، ۱۳۷۸: ۲۸). مسئله‌ای که چنین سازوکاری را مختل می‌کند، سلطه است. سلطه همواره در کنار فاتح و مغلوب معنا پیدا می‌کند و همه چیز را دربرمی‌گیرد. سلطه برای توفیق در این امر، باید ساختاری داشته باشد که نحوه زندگی و طرز تفکر خاص را ترویج کند و یک استنباط ویژه از واقعیات را در همه جامعه و نهادهای اجتماعی و زندگی فردی اشاعه دهد. نظام سلطه‌گر، بر سلیقه‌ها، اخلاقیات، سنن، اصول سیاسی و همه روابط اجتماعی سایه افکنده است؛ به‌ویژه در تصورات فکری و اخلاقی نفوذ می‌کند. این سلطه در ارتباط با دیکتاتوری یک طبقه یا یک جامعه تجلی می‌یابد؛ بنابراین نظام سلطه مانع شکوفایی استعدادها و فضیلت‌های انسان می‌شود و استقلال فکری و روحی ملت‌ها را می‌گیرد و آنان را وابسته روحی و خودباخته خویش می‌سازد (دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۷۲). نظام سلطه برآمده از «فطرت محجوبه» است که از حجاب غفلت ناشی می‌شود و در مقابل فطرت مخموره (مقاومت و کمال‌طلبی) قرار دارد. مقاومت از سلطه حقی است که فضیلت‌مندی انسان و جوامع را ایجاب می‌کند؛ چنین مقاومتی در پرتو فضایل و ویژگی‌های آدمی نظیر حکمت و شجاعت تحقق می‌یابد.

اثبات حق مقاومت پای متغیر مهم دیگری را به میدان می‌کشد؛ تقاضا برای شناسایی حق مقاومت که ارتباط مستقیمی با هویت دارد؛ چرا که هویت ما، با فهمی که از خود داریم شکل می‌گیرد و این هویت به‌وسیله شناسایی یا شناسایی‌نکردن دیگران صورت‌بندی می‌شود. فرد یا گروه اگر با شناسایی‌نشدن یا کژشناسایی از سوی دیگران روبه‌رو شود، با مشکلات هویتی زیادی مواجه می‌شود که روی رفتارشان تأثیر می‌گذارد (تیلور، ۱۹۹۲: ۳۶).

۲. مقاومت در دیدگاه امام خمینی (ره)

در دوران معاصر، مقاومت اسلامی در تفکر و رفتار سیاسی-اجتماعی امام خمینی (ره) مصداق عینی و نمود عملی یافته است. بر این اساس، عنصر مقاومت و ایستادگی بیشترین نقش را در

معرفی و شناخت مکتب امام (ره) دارد: «مقاومت، ایستادگی؛ آن چیزی [است] که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴). در واقعه‌ی توان گفت انگاره استکبارستیزی، کانون اصلی گفتمان مقاومت است. امام (ره) در مقام تطبیق نشانه استضعاف و استکبار با مصادیق مستضعف و مستکبر، شواهدی را از تاریخ ادیان بیان می‌کند. در دیدگاه امام، توجه به مصالح مستضعفان در قبال مستکبران و به تبع آن قیام بر ضد مستکبران، طریقه حضرت موسی (ع) بر ضد فرعون (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۸۹)، حضرت ابراهیم (ع) در مقابل نمروود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۹۶) و پیامبر اکرم (ص) با قدرتمندان حجاز (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۹) است. از این رو یکی از کارکردهای اصلی انسان‌شناسی اسلامی در نظام‌های اجتماعی، تربیت انسان‌هایی است که هرگز در مقابل ظلم سکوت نمی‌کنند و مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از مظلوم را یکی از وظایف انسانی و دینی خود می‌دانند. این افراد براساس تعالیم دینی که یکی از فلسفه‌های ارسال پیامبران الهی را برپایی قسط و عدل در جامعه معرفی می‌کند، همه سعی و تلاششان را برای تشکیل جامعه‌ای عدالت‌محور به کار می‌برند.

با رحلت امام خمینی (ره) و آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، این گفتمان وارد مرحله جدیدی شد. این مسئله در پیگیری اندیشه و راهبرد مقاومت در تشکیل تمدن نوین اسلامی نمایان است (نک قربانی و نادری، ۱۳۹۹). مقاومت در اندیشه رهبری از آغاز تاکنون، به عنوان چراغ و نقشه راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد (آسیه مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ۷). مقاومت برخلاف گذشته، صرفاً بر جنبه سلبی مانند نفی سلطه‌پذیری و تمامیت‌خواهی دلالت ندارد، بلکه فراتر از آن، بر جنبه‌های ایجابی نظیر عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی تصریح دارد (امید جلوداریان، ۱۳۹۸: ۱۴). گرچه سابقه مقاومت برخی از علما و نخبگان سیاسی در ایران به دوران نهضت مشروطیت در برابر استعمار غربی بازمی‌گردد، با وقوع انقلاب اسلامی، مقاومت در اذهان مسلمانان به‌ویژه شیعیان از انتظار سلبی و انفعالی به یک انتظار ایجابی تغییر ماهیت داد. در این تغییر، همچنان بر مرزبندی با جریان سلطه جهانی تأکید می‌شود و مناظر بر آن، ساخت جامعه‌ای عادلانه، پیشرفته، امن و مقاوم تنها از طریق درپیش‌گرفتن راهبردهای مقاومت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی ممکن خواهد بود. جنبه‌های ایجابی مقاومت حتی بر جنبه‌های سلبی آن به دلیل اینکه به استحکام بافت قدرت و اقتدار حکومت منتهی می‌شود، تقدم می‌یابد (نادری، ۱۳۹۶: ۷۹). از این رو مقاومت صرفاً جنبه سخت‌افزاری ندارد، بلکه جنبه نرم‌افزاری نیز دارد. بر همین مبنا، در دیدگاه رهبری انگاره‌هایی نظیر قدرت نرم، جنگ نرم، سبک زندگی اسلامی، جنبش نرم‌افزاری در مقابل تهدیدات نرم استکبار مانند نفوذ، جنگ روانی، تهاجم فرهنگی، سبک زندگی غربی و پروژه تحریف مطرح شده است.

روش پژوهش

از میان سه رویکرد نظری^۱ به تحلیل گفتمان^۲، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه^۳، قرابت و تناسب بیشتری با مباحث اندیشه سیاسی دارد و چارچوب تحلیلی مناسبی را برای بررسی تحولات نظری در جامعه، پیش‌روی محقق قرار می‌دهد (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۵۵۲-۵۵۳). نظریه گفتمان، با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد و در تلاش است با به‌کارگیری مجموعه‌ای از ابزارهای روش‌شناسی، در راستای تحلیل کلام‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و... گام بردارد (هوارت، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۶). لاکلا و موفه ضمن استفاده از مفهوم فوکویی، قدرت و نظریات زبان‌شناسی سوسور، از مفروضات بنیادستیزی و جوهرستیزی فلاسفه‌ای نظیر رورتی، دریدا و لیوتار بهره‌جسته‌اند (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۴). به اعتقاد لاکلا و موفه «هر معنا در ارتباط با رفتار کلی‌ای که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص» درک می‌شود. از این رو ما فقط در صورتی می‌توانیم یک فرایند اجتماعی را توضیح، تبیین و ارزیابی کنیم که قادر به درک رفتار و گفتمانی باشیم که در درون چنین فرایندی اتفاق افتاده است (هوارت، ۱۳۸۸: ۲۰۲). در درک نظریه تحلیل گفتمان، اولویت با مفاهیم عمده زیر است:

۱. **گفتمان**^۴: کلیت ساختاردهی شده‌ای است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. گفتمان‌ها منظومه‌های معنایی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند،

۱. این سه رویکرد عبارت‌اند از: تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، تحلیل انتقادی گفتمان و روان‌شناسی گفتمانی.

2. Discourse analysis
3. Laclau & Mouffe
4. Discourse

هویت و معنای خاص می‌یابند. در واقع گفتمان‌ها تصور و درک ما را از جهان واقعیت شکل می‌دهند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۵).

۲. مفصل‌بندی^۱: به عمل گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید اشاره دارد (هوارت، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

۳. ضدیت یا غیریت^۲: بر اساس این مفهوم، هر چیزی در ارتباط با «غیر» هویت می‌یابد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۴). این امر بر سه نکته تأکید دارد: اول آنکه ایجاد یک رابطه خصمانه سبب به‌وجود آمدن یک دشمن یا دیگری می‌شود. دوم، شکل‌گیری روابط خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت بخشی از هویت‌های گفتمان امری ضروری است. سوم، ضدیت بر حدوثی بودن هویت تأکید دارد (هوارت، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

۴. هژمونی^۳: به دنبال این امر است که چه کسی برتر خواهد بود؛ اینکه کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتار و معنا در یک زمینه خاص اجتماعی تصمیم می‌گیرد. این امر نیازمند ترسیم مرزهای سیاسی است که براساس آن نیروهای مخالف در راستای دستیابی به رفتارهای استیلاجویانه نمایان می‌شوند (هوارت، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

۵. دال مرکزی^۴: نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها دور آن گرد آمده‌اند و در واقع هسته مرکزی نظریه گفتمانی را شکل می‌دهد. نیروی جاذبه این هسته، نشانه‌های دیگر را به خود جذب کرده است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۵).

اگرچه هر روش به‌نوعی حامل بار معنایی سنت خاص فکری خود است، به‌رحال به‌کارگیری روش تحلیل گفتمان در سال‌های اخیر در حوزه مطالعات سیاسی اسلام افزایش یافته است و به‌نظر می‌رسد با اندکی جرح و تعدیل امکان استفاده از گونه‌هایی از این روش وجود داشته باشد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۵۴۵). در یک معنا، سنت تفکر اسلامی، مبنای و جوهرگرا است. در نتیجه دارای روایت کلان است که در مقام ارزیابی، با مفروضات بنیادستیز و جوهرستیز نظریه تحلیل گفتمان در تعارض است. اما در معنای دیگر، جریان‌های عقل‌گرای تفکر اسلامی، مبانی

1. Articulation
2. Antagonism
3. Hegemony
4. Nodel Point

معرفتی خاصی را در پرتو اجتهاد و عقل پذیرفته‌اند که در نتیجه آن امکان مقایسه و الهام‌گیری از ایده‌های تحلیل‌گفتمان را بدون نیاز به پذیرش مبانی آن، محقق ساخته است؛ برای مثال، نمودهای غیریت‌ساز را که از جمله مشخصات نظریه تحلیل‌گفتمان است، می‌توان در تفکر اسلامی، در موارد متعددی دنبال کرد. خداوند متعال در سوره کافرون - که صریحاً اعلام تمایز و جدایی بین مؤمنان و کافران است - و همچنین سوره توبه، در قالب برائت مفهومی، مشرکان را نفی کرده است. مبتنی بر این قاعده، شناخت اشیاء منوط به تعریف اضداد خود هستند. بر همین اساس، امام خمینی با طرح اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی و همچنین تعریف مفاهیمی نظیر مستضعفان و مستکبران، عملاً نفی غیر را در کانون تعریف اسلام ناب محمدی (ص) و مستضعفان دنبال کرده است (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۵۶۸ و ۵۷۶). همچنین در اندیشه مقام معظم رهبری، به ترتیب دو گفتمان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی در تقابل با یکدیگر مطرح می‌شوند. در واقع دال مرکزی گفتمان اسلام ناب محمدی، مفهوم «حاکمیت الله» است. این دال مرکزی از طریق نشانه‌ها و معانی نظیر ایمان الهی، ولایت اولیای الهی، تقوای الهی، باور به وعده‌های الهی، تقابل حق و باطل، رویارویی دائم جریان استکبار و استضعاف و ضرورت مقاومت اسلامی مفصل‌بندی می‌شود و در نهایت ضمن شناسایی و تعریف غیریت (اسلام آمریکایی با دال مرکزی «حاکمیت طاغوت» و نشانه‌هایی از قبیل شیطان، ولایت و اولیای طاغوت، استکبار، فسادگری روی زمین مفصل‌بندی می‌شود) به ارائه هژمون (وعده پیروزی مستضعفان بر مستکبران) می‌پردازد.

کاربست روش تحلیل‌گفتمان با توجه به نوع و ماهیت پژوهش، به طرق مختلفی انجام شده است و رویه ثابتی ندارد، اما در همه تحقیقات انجام‌شده سه مرحله کلان توصیف، تفسیر و تبیین دیده می‌شود. در مرحله توصیف تلاش می‌شود از طریق واکاوی درون‌متنی، معنای نهایی متن به دست آید. در مرحله تفسیر، محقق با ارتباط بینامتنی و فرامتنی، جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها و ناگفته‌های متن را روشن می‌کند. در مرحله تبیین، در واقع بین متن و زمینه‌های شکل‌گیری اثر ارتباط برقرار می‌شود و تأثیرات بافت اجتماعی و سیاسی بر متن و بالعکس آشکار می‌شود.

یافته‌های تحقیق

۱. توصیف مقاومت در بیانیه گام دوم

در راستای پاسخ به سؤال اول تحقیق یعنی جایگاه مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، باید گفت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌مثابه متنی درنظر گرفته شد که شبکه معانی مقاومت باید در آن ادراک شود. برای این منظور با رجوع به مضامین بیانیه گام دوم، دلالت‌های حاکم بر متن استخراج شد. نتایج خوانش متن بیانگر آن است که در مجموع ۳۷ مضمون از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی دلالت دارد (جدول ۱).

جدول ۱. نمونه‌ای از توصیف مقاومت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۱

| کد | متن | جهت‌گیری (دلالت) | گرایش (مدلول) |
|----|---|--|-------------------------------|
| P1 | «انقلاب پرشکوه ملت ایران... در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده...» | مقاومت انقلاب اسلامی در مقابل وسوسه‌ها | تمدن‌سازی پیامد مقاومت اسلامی |
| P2 | «چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه‌کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند.» | دشمنی‌ها با فرهنگ مقاومت | شکست دشمنان |
| P3 | «شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است...؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است.» | فطری بودن آرمان مقاومت | ماندگاری شعار مقاومت اسلامی |
| P4 | «جمهوری اسلامی... به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است.» | پایبندی به مقاومت اسلامی | مقاومت اسلامی ملاک مرزبندی |
| P5 | «این دامنه عمل [ایستادگی] جهانی و «منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.» | ایستادگی انقلاب اسلامی در مقابل زورگویان | مقاومت اسلامی مایه عزت |

۱. در این گام، مستند به بیانیه گام دوم انقلاب ۳۷ مدلول کدگذاری شد. به دلیل فراتر رفتن حجم مقاله از استاندارد نشریه، مستندات در دفتر نشریه نمایه شده است.

ادامه جدول ۱. نمونه‌ای از توصیف مقاومت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۱

| کد | متن | جهت‌گیری (دلالت) | گرایش (مدلول) |
|-----|---|---|--|
| P6 | «تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.» | مقاومت اسلامی عامل ایجاد قطب‌بندی جدید جهانی | تقابل گفتمانی اسلام و استکبار (به دلیل مقاومت اسلامی) |
| P7 | «و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت، امکان‌پذیر نمی‌شد.» | ایمان الهی و اراده مردم عامل توفیق در مقاومت | لوازم مقاومت اسلامی |
| P8 | «مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها.» | مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل ما می‌توانیم | لوازم مقاومت اسلامی |
| P9 | «ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.» | امنیت کشور نتیجه مقاومت اسلامی | پیامد مقاومت اسلامی |
| P10 | «موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود.» | پیشرفت‌های علمی و فناوری | پیامد مقاومت اسلامی |

نکته حائز اهمیت در مقام توصیف جایگاه مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم این است که کلان‌روایت گفتمان انقلاب اسلامی از مجموعه‌ای از خرده‌گفتمان‌ها تشکیل شده است که زنجیروار در کنار یکدیگر معنا می‌یابند. از یک منظر، مقاومت اسلامی خرده‌گفتمانی از گفتمان انقلاب اسلامی است که در ارتباط با خرده‌گفتمان‌هایی نظیر بیداری اسلامی، تمدن‌نوین اسلامی، استکبارستیزی و موعودگرایی معنا می‌یابد و از منظری دیگر، مقاومت اسلامی به‌مثابه

۱. در این گام، مستند به بیانیه گام دوم انقلاب ۳۷ مدلول‌کدگذاری شد. به دلیل فراتر رفتن حجم مقاله از استاندارد نشریه، مستندات در دفتر نشریه نمایه شده است.

گفتمان، دربرگیرنده دلالت‌های نظری و عملی است که مؤید منطق رفتاری گفتمان انقلاب اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این رو باید در فهم معنای مقاومت در بیانیه گام دوم، نگاهی پیوسته و مداوم از کل (گفتمان انقلاب اسلامی) به جزء (گفتمان مقاومت) و بالعکس داشت.

۲. تفسیر مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم

در راستای پاسخ به سؤال دوم یعنی شناسایی مؤلفه‌های گفتمانی مقاومت، براساس داده‌های توصیفی مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم، می‌توان عناصر و شاخص‌های این گفتمان را این‌گونه تفسیر کرد:

هسته گفتمان: حاکمیت اسلام ناب محمدی (ص) به‌عنوان دال مرکزی، هسته اصلی این گفتمان است و وظیفه مفصل‌بندی شبکه معنایی سایر دال‌های شناور را برعهده دارد. حاکمیت اسلام ناب به معنای این است که اسلام در مقام وضع و اجرای قانون در نظام اجتماعی استعلاء یابد. دال‌هایی نظیر نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، مقدمه‌سازی ظهور مهدی موعود (عج)، تمدن نوین اسلامی، ضرورت تقویت جبهه مقاومت، جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مقاومت، توانمندی ظرفیت‌ها، پیشرفت مادی و معنوی، ایمان دینی و نیروی جهادی ضمن اینکه در مفصل‌بندی نظام معنایی این گفتمان ایفای نقش می‌کنند، همگی در خدمت و پیرامون دال مرکزی قرار می‌گیرند و براساس آن تعریف و تفسیر می‌شوند.

ماهیت گفتمان: نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری به‌عنوان یکی از کانونی‌ترین دال‌ها، بیانگر چپستی این گفتمان است. اساساً مقاومت و ایستادگی برای نفی سلطه استکبار و دارای ریشه‌ای قرآنی و بر مبنای رسالت دینی است. مقاومت اسلامی نیز به معنای ایستادگی در مسیر حق با هدف نفی سلطه مستکبران است.

راهبرد گفتمان: مقدمه‌سازی برای ظهور مهدی موعود (عج)، راهبردی است که گفتمان انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم بر آن تأکید دارد. درپیش‌گرفتن سیاست انقلابی‌گری و مقاومت در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدها به‌منظور عینیت‌بخشیدن به این راهبرد است.

هدف گفتمان: تحقق تمدن نوین اسلامی هدف گفتمان مقاومت است و به این نکته اشاره دارد که برای رهایی از سلطه و رسیدن به عدالت اجتماعی باید عالمی (تمدنی) دیگر طراحی کرد. صرفاً با نفی تمدن‌های مسلط کنونی -لیبرال دموکراسی- نمی‌توان نفی سلطه را انتظار داشت، بلکه باید در تمدن‌سازی ناظر بر هنجارها و ارزش‌های اسلامی پیشگام بود.

برنامه گفتمان: دستورالعمل گفتمان مقاومت تقویت جبهه جهانی، مقاومت اسلامی است. براساس قانون اساسی، جمهوری اسلامی وظیفه حمایت و پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش و مستضعفان جهانی را دارد. در این راستا، گفتمان مقاومت درصدد است که هسته‌های مقاومت اسلامی در جهان اسلام نظیر فلسطین، عراق، لبنان، یمن، سوریه را علیه استکبار جهانی تقویت کند.

ابزار گفتمان: ابزار گفتمان مقاومت برای تحقق اهداف، ایمان الهی و مدیریت جهادی است. براساس بیانیه گام دوم، اتکای الهی و باور انقلابی در کنار مدیریت جهادی می‌تواند موجب شکوفایی پتانسیل‌های بالقوه و ظرفیت‌های متعدد شود.

پیامد گفتمان: دال پیشرفت در بیانیه گام دوم بر کارآمدی انقلاب اسلامی و دستاوردهای مقاومت اسلامی ناظر بر دشمنی‌ها، تهدیدها، تحریم‌های ابرقدرت‌ها و موانع داخلی دلالت دارد. در گفتمان انقلاب اسلامی، نه تنها مقاومت سبب عقب‌ماندگی نشده است، بلکه عاملی مؤثر در استحکام بافت قدرت و تعمیق عمق نفوذ راهبردی در جهان اسلام بوده است.

ابعاد گفتمان: مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم بر ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و همچنین جنبه‌های ایجابی و سلبی تأکید دارد. درپیش‌گرفتن نهضت نرم‌افزاری، افزایش رشد علمی و فناوری، مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و تقویت توانمندی‌های اقتصادی ناظر بر جنبه نرم‌افزاری است. ابلاغ و درپیش‌گرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مصداقی بر جنبه ایجابی و نرم‌افزاری گفتمان مقاومت و حضور میدانی و نظامی برای مقابل با داعش بر جنبه سلبی و سخت‌افزاری مقاومت تأکید دارد.

ظرفیت گفتمان: براساس بیانیه گام دوم، جمهوری اسلامی به‌عنوان کانون مقاومت اسلامی در ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی رتبه نخست جهانی دارد. فعال‌کردن هوشمندانه

ظرفیت‌های مذکور، امکان توانمندسازی حداکثری در عرصه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. گفتمان مقاومت باید با فعال کردن این ظرفیت‌ها زمینه اقتدار افزون‌تر را فراهم سازد.

جدول ۲. مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم

| مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم | | | | |
|--|--|------------------|-------------------------------|---------------|
| کد | مصادقی از مستند بیانیه | مفصل‌بندی گفتمان | نشانه (مدلول) | نوع دال |
| P3 | آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد، چارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام کرد. | هسته گفتمان | حاکمیت اسلام ناب محمدی (ص) | دال مرکزی |
| P2 P6 | انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. | ماهیت گفتمان | نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری | دال‌های شناور |
| P37 | شما باید که باید کارآموده و پیرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید. | راهبرد گفتمان | مقدمه‌سازی ظهور مهدی (عج) | |
| P1 | تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. | هدف گفتمان | تمدن نوین اسلامی | |

ادامه جدول ۲. مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم

| مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم | | | | |
|--|---------------------------|----------------------|--|---------------------------------------|
| نوع دال | نشانه (مدلول) | مفصل‌بندی گفتمان | مصادقی از مستند بیانیه | کد |
| تقویت جبهه جهانی مقاومت اسلامی | ایمان الهی و مدیریت جهادی | برنامه گفتمان | این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خونریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد. | P2 P4 P34 |
| پیشرفت مادی و معنوی | ایمان الهی و مدیریت جهادی | ابزار (لوازم) گفتمان | ایران...کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی... و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. | P7, P8 P31 P26 |
| جنبه نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه مقاومت | پيامد گفتمان | ساحت (ابعاد) گفتمان | اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به‌شدت بیمناک است، ناکام سازید. | P5,P9 P10,P16 P33,P1 P30 |
| | | | | P23,P24 P25, P3 P27, P28 P29 |

ادامه جدول ۲. مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم

| مفصل‌بندی گفتمان مقاومت اسلامی در بیانیه گام دوم | | | | |
|--|---------------------|------------------|---|------------|
| نوع دال | نشانه (مدلول) | مفصل‌بندی گفتمان | مصداتی از مستند بیانیه | کد |
| | خلق حداکثر توانمندی | ظرفیت گفتمان | در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. | P21 P22 |

۳. تبیین گفتمان مقاومت اسلامی

تبیین در روش گفتمان به معنای ارتباط‌دادن متن «بیانیه گام دوم» با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی خلق اثر است. گفتمان مقاومت اسلامی جزئی از کلان‌روایت گفتمان انقلاب اسلامی است که واکنش و پاسخ مناسبی به استبداد داخلی و استعمار خارجی -ریشه عقب‌ماندگی مسلمانان- در دو قرن گذشته است؛ بنابراین می‌توان گفت سلطه و نفوذ استعمارگران و همراهی و همگامی استبداد داخلی علت‌العلل عقب‌ماندگی مسلمانان و دورشدن از جایگاه حقیقی، عزت و سربلندی اسلامی آن‌ها در دوران شکوفایی تمدن اسلامی بوده است. گرچه سابقه موج اول بیداری اسلامی و درپیش‌گرفتن مقاومت اسلامی با رویکردی اجتماعی و سیاسی، به دوران سید جمال‌الدین اسدآبادی بازمی‌گردد، باید توجه کرد که تلاش این احیاگران در نهایت به نهضت‌های بیداری اسلامی و به تبع آن، جنبش‌های اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام منتهی شد. آنچه در عرصه عمل به تحولات ذهنی و ساختاری عمیق انجامید، پیروزی انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی مانند موج دوم بیداری اسلامی، موجبات استقرار و تشکیل نظام سیاسی جمهوری اسلامی را فراهم آورد. نظامی که با درپیش‌گرفتن سیاست نه شرقی و نه غربی، درصدد ارائه الگوی بدیلی از حکمرانی بر پایه آموزه‌های وحیانی و دستاوردهای مفید بشری بوده است. ماهیت این امر پیگیری سیاست استقلال در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران است؛ طبیعتاً چنین

سیاستی در جهان‌بینی توحیدی رهبری صبغه و جهت‌گیری خاصی پیدا کرده است. در نگاه توحیدی رهبری، غایت القصوای هستی، کلمه توحید است. از این منظر هیچ انسانی بر انسان دیگری حق ولایت ندارد؛ اسلام دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به‌جز خدا.

در آموزه‌های دینی، انسان برای دستیابی به سعادت به‌تنهایی نمی‌تواند پیش رود و کشمکش‌های درونی او از یک سو و فعالیت گروهی که روحیه استکباری دارند و نقش سلطه‌گری را ایفا می‌کنند از سوی دیگر، موجب می‌شود که حیات بشری از معیارهای خوشبختی و سعادت فاصله بگیرد و شکوفایی معنوی‌اش به خطر بیفتد؛ بنابراین در دنیایی که «بنای استکباری» دارد (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴)، درهم‌شکستن این نظام استکباری و ظالمانه، با تکیه بر مقاومت امکان‌پذیر است؛ برای مبارزه با استکبار و ستم، خودسازی لازم است و کسانی که مبارزه درونی داشته باشند، می‌توانند در برابر مستکبران بایستند و این معنای حقیقی جهاد هر دو جنبه را دربرمی‌گیرد: «هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون» (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۶/۲۷).

چنین انسانی در مرتبه ارزشی با احساس بی‌نیازی از غیرخدا، ضمن نفی سلطه‌پذیری، به‌نوعی استقلال فکری و نظری می‌رسد. استقلال فکری و شخصیتی در این ساحت ارزشی به معنای رهایی کامل از روابط اجباری و عدم وابستگی به کنش‌ها و واکنش‌ها است که منشأ وجودی آن‌ها غیرخدا است. به‌زعم رهبری جمهوری اسلامی ایران، بزرگ‌ترین ستم به جامعه جهانی، سلطه قدرتمندان و استیلای نظام سلطه و تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. به همین دلیل، سیاست جمهوری اسلامی ایران از ابتدا بر مخالفت با نظام سلطه استوار شده است. آیت‌الله خامنه‌ای مشکل اصلی جهان معاصر را در یک جمله می‌داند؛ اینکه دنیا نظام سلطه را پذیرفته است. چنین نظامی توانسته است برای خود سیستم اقتصادی خاص، روابط سیاسی و از همه بالاتر، فرهنگ سلطه را ایجاد کند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبران، وابستگی فکری و درونی است. به‌زعم ایشان، تحصیل استقلال فکری مسبوق به ابعاد دیگر استقلال نظیر استقلال فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی است. به بیان دیگر، استقلال فکری بیانگر تعیین‌بخشی به

ساخت هویتی جامعه است و شخصیت یک جامعه را معرفی می‌کند. آزادی و رهایی از سلطه پیدادگران استبداد و استعمار از یک سو و به‌دست‌گرفتن سرنوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی کشور بدون دخالت قطب سلطه از سوی دیگر، ارکان ساخت هویتی دولت و ملت را تشکیل می‌دهند.

معنا و پیام استقلال و خوداتکایی انقلاب اسلامی - با اتخاذ راهبرد مقاومت - زمینه غیریت و خصومت را برای دو ابرقدرت بلوک شرق و غرب ایجاد کرد. خصومتی که صرفاً جنبه رقابت گفتمانی نداشت، بلکه به تلاش رفتاری برای طرد و حذف رقیب منتهی شد. ایجاد ناآرامی و آشوب‌های داخلی، ماجرای کودتای نوژه، ترغیب و حمایت از جنگ تحمیلی، حمایت از اپوزیسیون مخالف و برانداز نظام، تهاجم فرهنگی و تحریم‌های چهل‌ساله همگی برای خاموش کردن کانون مقاومت اسلامی بوده است. به موازات تعمیق و نفوذ استراتژی مقاومت اسلامی در جهان اسلام، گستره مخالفت ابرقدرت‌ها برای حفظ و تداوم سلطه فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی تعریف شد. درپیش‌گرفتن سیاست‌هایی نظیر نظم نوین جهانی، خاورمیانه جدید، طرح سازش عبری-عربی و معامله قرن از یک سو و حمله نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم و اشاعه دموکراسی در افغانستان، عراق و لیبی، حمایت از تروریست‌های داعش و پشتیبانی از حامیان منطقه‌ای از مانند رژیم صهیونیستی و سعودی‌ها از سوی دیگر، زمینه ایجاد خصومت و در مقابل کاربست راهبرد مقاومت اسلامی بوده است.

برآیند خصومت و غیریت نظام سلطه جهانی با گفتمان انقلاب اسلامی و امواج بیداری، بر حفظ و تداوم وضعیت هژمونیک تأکید دارد. آمریکا و هم‌پیمانانش به‌درستی دریافته‌اند که تداوم وضع هژمونی در جهان منوط به نهادینه‌شدن ارزش‌ها و هنجارهای تمدن لیبرال دموکراسی با محوریت نظام سرمایه‌داری است و هر گونه تغییر وضعیتی به افول سیادت آن‌ها منجر خواهد شد. از این‌رو با هر گونه گفتمانی که داعیه تمدنی داشته باشد، در تقابل و ستیز خواهند بود. سند امنیت ملی آمریکا (۲۰۲۱) با به‌کاربردن تعبیر «ایران به‌دنبال توانمندی‌های تحول‌آفرین است...»، همچنان بر ضرورت و تداوم خصومت‌ها تأکید دارد. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با اهتمام به تجربه تاریخی و دستاوردهای مقاومت اسلامی برون‌رفت جهان اسلام از سلطه، منوط به حرکت تمدن‌ساز و تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ امری که در سایه ایمان الهی،

همگرایی، هم‌افزایی، انقلابی‌گری و مدیریت جهادی با مجهز شدن به سلاح دانش و فناوری، و در پرتو مقاومت سازنده و هوشمند ممکن خواهد شد.

مقاومت می‌تواند خودآیینی ملت را به وجود آورد و ایشان را «از ضعف و بی‌حالی و انزلام نجات بدهد و به اوج عزت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می‌تواند نظامی استوار و قادر بر زورآزمایی با قدرت‌های مادی جهان بر آنان بیخشد و دست قدرت‌های ظالمانه و تحقیرکننده استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰). با وجود این، مجرای مقاومت در همه جا تابع شرایط است و یکی از مبانی اصلی آن را قاعدهٔ مصلحت تشکیل می‌دهد؛ زیرا آنچه ملاک عمل است، مصلحت و آثار و تبعاتی است که به دنبال دارد و دایرمدار حفظ عزت اسلامی و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی است که فقط در صلاحیت رهبری انقلاب اسلامی وجود دارد. با این فرض، «نرمش قهرمانانه» در عرصهٔ دیپلماسی هسته‌ای ایران را باید نوع خاصی از مقاومت در این عرصه دانست. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در عرصهٔ جهانی داعیه‌دار حفظ کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و نیز صلح و احسان است و مؤیدات دینی فراوانی برای این مهم موجود است، پس از ثابت کردن عزت و بی‌نیازی ایران به غرب و مقاومت ملت ایران در زمان اوج تحریم‌ها، رهبری انقلاب اسلامی رویکرد نرمش قهرمانانه را مطرح کرد. در این میان توجه به مصلحت عمومی، در پرتو قواعد کلی نظام صورت پذیرفت؛ بدین صورت که نرمش و تسامح صورت گرفته لاجرم در میدان قاعدهٔ عزت اسلامی وزن‌دهی می‌شود. این قاعده، در سیره و رفتار بزرگان دین نیز بوده و مبنای سیاست‌گذاری آن‌ها نیز است؛ برای مثال، امام علی (ع) ضمن برخورد مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان و دشمنان، حسن معاشرت و رفتار مسالمت‌آمیز را تأمین عزت دینی و سیادت اسلامی پیوند می‌دهد؛ به طوری که «باید رفتارشان با احتیاج و بی‌نیازی توأم باشد و حسن معاشرت و نرمی گفتارتان، با عزت و زهدت دینی پیوندد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

نتیجه‌گیری

لازمهٔ ساختن جامعه‌ای پیشرفته، مستقل، امن و عزتمند، استفادهٔ حداکثری از فرصت‌ها و قوت‌ها و خنثی کردن چالش‌ها و ضعف‌ها است. استبداد داخلی و استعمار خارجی علت‌العلل

عقب‌ماندگی جهان اسلام در دو قرن گذشته بوده و برای برون‌رفت از این مسئله راهکارهای مختلفی ارائه و عملیاتی شده است. در این میان، راهکار پیشنهادی انقلاب اسلامی، تبیین، ترویج و التزام به گفتمان مقاومت اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان منشور فکری و رفتاری به ترسیم وضعیت گذشته، موجود، مقدور و مطلوب گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته و نقش گفتمانی مقاومت اسلامی در سیر تحولات گذشته و آینده را تبیین کرده است. براساس بیانیه گام دوم، مقاومت اسلامی گفتمانی برآمده از کلان‌روایت گفتمان انقلاب اسلامی است که در تحقق اهداف انقلاب اسلامی نقشی راهبردی دارد. در این دیدگاه، حاکمیت اسلام ناب محمدی به‌مثابه دال مرکزی، نقش مفصل‌بندی سایر دال‌ها و نشانه‌ها را برعهده دارد. دال نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در مقام ماهیت گفتمان، دال مقدمه‌سازی ظهور به‌مثابه راهبرد گفتمان، دال تمدن نوین اسلامی به‌مثابه هدف گفتمان، ایمان الهی و مدیریتی جهادی به‌مثابه ابزار گفتمان، دال تقویت جبهه مقاومت به‌مثابه برنامه گفتمان، دال وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌مثابه ابعاد گفتمان، دال ضرورت توانمندسازی حداکثری به‌مثابه ظرفیت گفتمان مجموعه دال‌های شناوری هستند که در مقام تعریف، تبیین و کاربست گفتمان مقاومت اسلامی به ایفای نقش می‌پردازند.

براساس بیانیه گام دوم، توفیق گذشته انقلاب اسلامی، به‌دلیل التزام فکری و عملی به گفتمان مقاومت اسلامی، و ناکامی‌ها به‌دلیل بی‌توجهی مقطعی به ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و به‌تبع آن، مقاومت اسلامی بوده است. از این‌رو، میزان توفیق در تحقق اهداف انقلاب اسلامی منوط به میزان پایبندی به گفتمان مقاومت اسلامی خواهد بود.

منابع

- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹). *موسوعه الامام علی علیه‌السلام*. جلد اول. تهران: دارالحدیث.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰). *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ارسطو (۱۳۷۸). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
- بکر، لارنس (۱۳۷۸). *تاریخ فلسفه اخلاق غرب*. ترجمه گروهی از مترجمان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- کورنر، اشتفان (۱۳۸۰). *فلسفه کانت*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- هوفه، اتفرید (۱۳۹۵). *قانون اخلاقی در درون من*. ترجمه رضا مصیبی. تهران: نی.
- بنت، اندی (۱۳۸۵). *فرهنگ و زندگی روزمره*. ترجمه لیلا جوافشانی. تهران: اختران.
- فوران، جان (۱۳۸۵). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- کاستنلر، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه حسن چاووشیان. جلد دوم. تهران: طرح نو.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- اکبریان، حسین (۱۳۹۶). *تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه: مفاهیم و مبانی نظری مقاومت و نظام سلطه*. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام (ره)*. تهران: عروج.
- کیانی، احسان (۱۳۹۷). *نفوذ فرهنگی علیه امنیت نرم جمهوری اسلامی مطالعه موردی: بازنمایی جبهه مقاومت در بازی‌های رایانه‌ای «جنگ مدرن» و «آیین قاتل»*. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۰(۳۵)، ۱۵۷-۱۸۴.
- مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). *تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*. *نشریه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، ۱۵(۲)، ۵۳۹-۵۶۶.
- قربانی، فاطمه و نادری، مهدی (۱۳۹۹). *الزامات و موانع فکری-سیاسی سعادت‌مندی جامعه در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*.
- نادری، مهدی (۱۳۹۶). *دلالت‌های نظری و عملی انگاره جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی*. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۷(۲۲): ۷۹-۹۸.
- گوهری‌مقدم، ابوذر و بیگی، علیرضا (۱۴۰۰). *تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب*. *نشریه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، ۱۷(۱)، ۲۹۱-۳۲۰.
- نادری، مهدی و پیرانی، شهره (۱۳۹۹). *راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)*. *نشریه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، ۱۶(۱)، ۳۰۵-۳۲۸.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶). *«کاربرد تحلیل گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی»*. *در: روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*. علی‌اکبر علیخانی و همکاران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- حقیقت، سید صادق و حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۷). «گفتمان»، در: رهیافت و روش در علوم سیاسی. به اهتمام عباس منوچهری. تهران: سمت.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید.
- هوارت، دیوید (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان»، در: دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصیری، علی اصغر (۱۳۹۷). تسلیم یا مقاومت در مقابل دشمن (آمریکا): نتایج و پیامدها. نشریه پیام، ۱۳۰، ۱۶-۳۳.
- میرقادری، سید فضل‌الله و کیانی، حسین (۱۳۹۱). بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن. فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، ۱۰(۱)، ۶۹-۹۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۲۰۱۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران، در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- جلوداریان، امید (۱۳۹۸). «ایستادگی و مقاومت در نگاه رهبر معظم انقلاب»، در:
https://www.iribnews.ir/files/fa/news/1398/6/20/3938352_287.pdf
- Taylor, C. (1992). The Politics of Recognition, In A. Gutmann (ed.), *Multiculturalism and The Politics of Recognition*, Princeton, NJ: Princeton University Press, pp. 25-74.
- McEnnerney, D. (2009). Philosophy and Politics of Résistance in Early Modern France. *Historical Reflections*, 35(1), 52-71.